

به کودک می‌تواند بسیار اثرگذارتر در آینده باشد تا اینکه بخواهیم این مفاهیم را به صورت شفاهی و سطحی به کودک منتقل کنیم. نکته قابل توجه این است که اگر چیزی را می‌خواهیم به کودک یاد بدهیم، نباید به یک باره پیام‌های آموزشی و هشدارآمیز را به او بگوییم تا هم ذهنش مشوش شود و هم تصور کند که دنیا پیش ناامن است و آدم‌های خطرناکی می‌توانند در اطرافش قرار داشته باشند. با این حال، اگر همین نگرش‌ها را در محیط زندگی و فضای روزمره خود آمیخته کرده باشیم، طبیعتاً در سال‌های بعدی نیازی به این آموزش‌های مشوش‌کننده ذهن کودک وجود ندارد.

●●● البته همه چیز را نمی‌توان از بدو تولد با رفتار به کودک القا کرد؛ مثلاً ارتباط با غریبه‌ها؛ در این موارد چگونه باید حریم شخصی را برای کودک تعریف کرد؟

بله، این کاملاً درست است؛ مثلاً در نخستین مواجهه و برخورد بچه شما با بعضی موضوعات، ماجرا متفاوت می‌شود. زمانی که فرد غریبه‌ای از جنس مقابل بخواهد او را بغل کند یا بیوسد؛ ما در شرایطی که مناسب ندانیم، باید مداخله و از این اتفاق جلوگیری کنیم یا از خطاب‌های صمیمانه‌ای که غالباً در فرهنگ ما وجود دارد و می‌تواند موجب پیامدهای بد و آسیب‌زای بعدی شود. نسبت‌های فامیلی محرم دادن به برخی از آدم‌های غریبه از این دست تعارفات فرهنگی غلط است. عمو و خطاب کردن دوست پدر و خاله خطاب کردن دوست مادر؛ اینها مواردی است که یک فرهنگ آسیب‌زای بی‌سبب و بدون پایه و اساسی را شکل می‌دهد که باعث می‌شود بچه‌ها در زمینه مراقبت‌ها و تربیت جنسی و حفظ حریم‌شان دچار شک و شبهه شوند و نتوانند درست مرزها را رعایت کنند، یعنی ما یا یکسری تعارفات بی‌پایه و اساس، به جای اینکه اطلاعات ساده و دقیق به کودک بدهیم تا حریم شخصی و خصوصی‌اش را بشناسد و بتواند از خودش دفاع کند، بدتر او را سردرگم می‌کنیم تا در مواقع خطر نتواند از خودش دفاع کند.

●●● چطور می‌توانیم مفاهیم حریم خصوصی کودک را به اطرافیان القا کنیم؟ یا بهتر است بگوییم چطور رفتار کنیم که این حریم‌شناسی برای کودک از طرف ما به کسی برنخورد؟

اصل اول این است که ما مسئول اعمال، رفتار و اصول نادرست دیگران نیستیم و هرکسی قوانین، برنامه‌ها و چارچوب‌های زندگی خودش را دارد؛ ما متعهد به راضی نگه داشتن هیچ‌کسی نیستیم و هیچ نذری نکرده‌ایم که دیگران را از خودمان راضی نگه داریم؛ آن چیزی که برای تربیت فرزند و رشد و شکوفایی او درست تشخیص می‌دهیم و مطابق با ارزش‌ها و اصول خودمان است، همان را باید ملاک قرار دهیم و برنامه رفتارها، مرادوات و رفت‌وآمدهایمان را بر همان اساس تنظیم کنیم. به هر حال هر خانواده‌ای یکسری موضوعات و رفتارها را می‌پسندد و ممکن است این رفتارها برای او خوشایند باشد، اما لزوماً موردپسند خانواده دیگری نباشد. ما باید ببینیم اولویت رشد و شکوفایی کودک ما بر چه اساسی است، اگر کسی این روند را نپسندد، مشکل خودش است. ما اگر به مناسب بودن نگرشی اعتقاد داریم، باید روی آن ایستادگی کنیم و سختی‌هایش را هم قبول کنیم. مثلاً وقتی دوستی از اینکه مانع بوسیدن بچه از طرف او شده‌ایم و از ما ناراحت شد، بتوانیم مسأله را برای او توضیح دهیم، اما نهایتاً آنچه او برداشت می‌کند، برای ما مهم نباشد.

●●● در مبحث حریم خصوصی در دنیای امروز، فضای مجازی موضوعی است که نمی‌توان در مورد آن بی‌تفاوت بود؛ کودکان امروز وقت زیادی در دنیای مجازی می‌گذرانند. حریم‌شناسی و مدیریت این فضا چقدر اهمیت دارد؟

دقیقاً در موضوع حریم خصوصی، حضور کودک در دنیای مجازی با موبایل و تبلت بسیار اهمیت دارد. فرزند شما هنوز مصالح و منافع خود را تشخیص نمی‌دهد، درحالی‌که اینترنت و فضای مجازی مملو از محتوای نامناسب و نادرست است که می‌تواند پیام‌هایی به کودک بدهد و ذهنش را درگیر مسائلی کند که بعد از آن دیگر نمی‌توان کاری برای آن انجام داد. پس در این زمینه نیاز جدی به ورود و مداخله والدین است تا محیط و چارچوبی محدود با محتوای مناسب در اختیار کودک قرار بگیرد، نه اینکه دستگاه‌ها یا دسترسی به اینترنت و شبکه سراسری اطلاعات را به بچه بدهیم تا مثلاً کارتون ببیند، به این خیال که او دقایقی سرگرم باشد. فضای مجازی از آن دسته محیط‌هایی است که نظارت همیشگی والدین را می‌طلبد و علاوه بر محدودیت زمانی استفاده از این فضا باید محدودیت محتوا، تصاویر و ویدیوها را در نظر بگیریم.

●●● یکسری اتفاق‌ها هستند که شاید از کنترل والدین خارج باشد؛ مثلاً در محیط جامعه افرادی هستند که بیمار روانی هستند و ممکن است کودک در آینده در معرض تهدیدهایی مثل تعرض جنسی یا آزار قرار بگیرد؛ خانواده چطور می‌تواند برای کودک زمینه‌سازی کند تا او حتی در صورتی که اتفاقی هم برایش افتاد یا با تهدیدی مواجه شد، بتواند به راحتی با پدر و مادرش صحبت کند و بگوید چه اتفاقی برای او افتاده است؟

اگر از ابتدا این فضای گفت‌وگو در خانواده باز باشد و بچه احساس راحتی داشته باشد که فضای امنی برای بیان صحبت و خواسته یا مشکلیش در خانه وجود دارد، می‌تواند هر اتفاقی را که در معرضش قرار گرفت، بیان کند. در این باره پدر و مادر باید هنگام مواجهه با سوالات بچه با حوصله و صبر رفتار کنند و از سر بی‌حوصلگی حرف او را نادیده نگیرند. آنها باید سعی کنند اطلاعات را به شکل درست و در حد نیاز به بچه بدهند. در نتیجه این رفتار فضای گفت‌وگو بازمی‌شود و کودک می‌تواند هر علامت سوالی را که در ذهن دارد، از والدینش بپرسد، بدون اینکه پرخاش و تنبیه شود. مثلاً برای اطلاعاتی که به غلط کودک پیدا کرده است، والدین نباید او را سرزنش یا تنبیه کنند. اگر این فضا فراهم شود، می‌تواند برای مفاهیم و گفت‌وگوی کودک و والدین مناسب باشد. در چنین شرایطی با همه آموزش‌هایی که به بچه داده‌ایم و همه پیش‌بینی‌هایی که برای مراقبت از او در نظر گرفته‌ایم، اگر مشکلی هم برای او پیش بیاید، با این زمینه‌سازی و فضای گفت‌وگوی امن با پدر و مادر می‌توانیم این اطمینان را داشته باشیم که بلافاصله زنگ هشدار کودک به صدا درمی‌آید و موضوع را به والدین منتقل می‌کند.

●●● اگر کودکی در معرض آسیب یا آزار قرار بگیرد، چگونه می‌توان اثر پیامدها و عواقب بدی را که ممکن است بر شخصیت کودک بگذارد، از بین برد یا به حداقل رساند؟

این موضوع بستگی به شدت آسیب دارد، اما مهمترین نکته این است که در هر سطحی از آسیب، کودک مقصر نیست و نباید سرزنش شود. در چنین شرایطی والدین باید از بچه حمایت عاطفی کنند و این اطمینان خاطر به کودک آسیب دیده داده شود که خانواده تمام تلاشش را برای برطرف کردن این مسأله به کار می‌گیرد و هیچ‌کسی نسبت به این موضوع بی‌اهمیت نیست. سرکوب و پنهان کردن موضوع را، بچه به خوبی درک می‌کند، نباید بگذاریم حس ناامنی و سرخوردگی برای او پیش بیاید و نسبت به حمایت خانواده بی‌اطمینان شود، چراکه همین امر خود یک ضربه بر دیگر آسیب‌ها وارد می‌کند. علاوه بر آن باید شرایطی ایجاد کنیم که کودک بدون هیچ کم‌وکاستی اتفاقی که تجربه کرده است و هیجانات خود را بیان کند.

به‌طورکلی بسته به شدت و میزان سوءرفتاری که با کودک شده است، لازم است مداخلات جدی و درمان‌های روانشناسی لازم با توجه به سن و موضوعی که برای او اتفاق افتاده، در نظر گرفته شود. اصلاً نباید راجع به این مسائل کوتاهی کرد یا مسأله را دست‌کم گرفت، چراکه همین مسائل در آینده پایه سلامت روان شناختی کودک را در روابط فردی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. □



Gettyimages

آموزش‌های مراقبت از حریم خصوصی کودک در گفت‌وگو با یک روانشناس

# حریمی که خودمان برای کودک می‌سازیم

▣ [راضیه زرگی] کودکان به حریمی از آن خود نیاز دارند. حریمی که مخصوص خودشان باشد. این حریم را چگونه باید برای کودک ساخت یا به او یاد داد؟ والدین در تعریف این حریم برای کودک و القای مفاهیمی مثل شناخت بدن و تشخیص غریبه از آشنا چه نقشی دارند و چگونه می‌توانند بهترین محیط را برای رشد و پرورش او فراهم کنند؟ چقدر می‌توان دیگران را نسبت به چارچوب‌های اصولی خودمان در تربیت کودک آگاه کرد، بدون اینکه به این چارچوب‌ها آسیبی وارد شود و حریم کودکان خدشه‌دار؟ چگونه به دیگران بفهمانیم از یک حدی بیشتر نباید و نمی‌توانند به کودک نزدیک شوند؟ همه این سوالات را از یک روانشناس پرسیدیم؛ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور است و سال‌هاست در موضوع تربیت جنسی کودک مطالعه داشته و کارگاه‌های آموزشی متعددی با موضوع روانشناسی و تربیت جنسی کودک برگزار کرده است. او در گفت‌وگو با «شهروند» منظور از حریم خصوصی کودک را تشخیص قلمرویی برای او توصیف می‌کند؛ قلمرویی شامل فضای فیزیکی و فضای عاطفی کودک. موضوعی که با رفتار و عملکرد والدین در سنین زیر دوسال به کودک القا می‌شود؛ به گفته این روانشناس کودک، این قلمرو را خانواده باید بسازد تا کودک از ابتدا بفهمد بدنش متعلق به خودش است و مالکیت بدنش را به رسمیت بشناسد و بداند کسی بدون اجازه حق ندارد به بدنش دست بزند.

●●● حریم خصوصی کودک از چه زمانی تعریف پیدا می‌کند و مفهوم حفظ حریم برای کودک چگونه تعریف می‌شود؟

حفظ حریم شخصی کودک ارتباط تنگاتنگی با سبک زندگی خانواده‌ها دارد؛ یعنی نوع نگاهی که ما به خودمان، فرزندانمان و روابطمان داریم و شناختی که از حیطه‌های مختلف وجودمان داریم یا نگاهی که به آدم‌های اطرافمان داریم. به‌طورکلی این فاکتورها می‌توانند در تعیین حد و مرزها و حفظ حریم اثرگذار باشد. به بیان دیگر حد و مرزی که ما به‌عنوان یک والد برای خود قایل هستیم، حریم کودک تحت‌تأثیر این تعریف قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد برای حریم خصوصی نمی‌توان سنی مشخص کرد. اگر این رویکرد و نگاه در زندگی ما تحت تعریف حریم شخصی وجود داشته باشد، کودک هم ناخودآگاه می‌فهمد این حریم به اصطلاح برای حفاظت از فضای شخصی‌اش در بین خانواده ایجاد شده؛ در واقع ما داریم به نوعی پایه‌ها را بنیادگذاری می‌کنیم؛ زمانی که کودک شست‌وشو می‌شود، پوشک می‌شود و کم‌کم با دنیای اطرافش ارتباط برقرار می‌کند و والدینش را می‌شناسد، رفته‌رفته این شناخت با دیگر آدم‌های اطرافش تسری پیدا می‌کند، حد و مرزها در بچه ایجاد می‌شود و در وجودش نهادینه می‌شود. حریم خصوصی موضوعی است که نمی‌توان یک‌باره برای کودک تعریف و چارچوب برایش تعیین کرد. نمی‌توان گفت مثلاً قبل از سه سالگی کودک کاملاً آزاد است و هیچ حریمی برایش وجود ندارد، اما بعد از آن بخواهیم برایش قانون‌ها را تعریف کنیم. همه چیز از ابتدا و در بستر محیط شکل می‌گیرد. کودک وقتی می‌بیند مادر برای تعویض لباس و پوشک او را به اتاقی دیگری می‌برد، این رفتار را یاد می‌گیرد و رفته‌رفته در وجودش نهادینه می‌شود که نباید در حضور دیگران لباسش را عوض کند. به‌طورکلی همه چیز ریشه در باور و اعتقاد والدین دارد و کاملاً با سبک زندگی در هم تنیده است.

●●● در این رابطه حریم خصوصی و فردی کودک با مفهوم تربیت والدین یعنی چیزی که والدین به او تحمیل می‌کنند، تعارضی ندارد؟

اگر از ابتدا این فضای گفت‌وگو در خانواده باز باشد و بچه احساس راحتی داشته باشد که فضای امنی برای بیان صحبت و خواسته یا مشکلیش در خانه وجود دارد، می‌تواند هر اتفاقی را که در معرضش قرار گرفت، بیان کند. در این باره پدر و مادر باید هنگام مواجهه با سوالات بچه با حوصله و صبر رفتار کنند و از سر بی‌حوصلگی حرف او را نادیده نگیرند. آنها باید سعی کنند اطلاعات را به شکل درست و در حد نیاز به بچه بدهند. در نتیجه این رفتار فضای گفت‌وگو بازمی‌شود و کودک می‌تواند هر علامت سوالی را که در ذهن دارد، از والدینش بپرسد، بدون اینکه پرخاش و تنبیه شود. مثلاً برای اطلاعاتی که به غلط کودک پیدا کرده است، والدین نباید او را سرزنش یا تنبیه کنند. اگر این فضا فراهم شود، می‌تواند برای مفاهیم و گفت‌وگوی کودک و والدین مناسب باشد. در چنین شرایطی با همه آموزش‌هایی که به بچه داده‌ایم و همه پیش‌بینی‌هایی که برای مراقبت از او در نظر گرفته‌ایم، اگر مشکلی هم برای او پیش بیاید، با این زمینه‌سازی و فضای گفت‌وگوی امن با پدر و مادر می‌توانیم این اطمینان را داشته باشیم که بلافاصله زنگ هشدار کودک به صدا درمی‌آید و موضوع را به والدین منتقل می‌کند.



قاعداً این موضوع با تربیت والدین منافاتی پیدا نمی‌کند؛ آنجایی که لازم است والدین ورود پیدا می‌کنند و منافع یا آسیب‌هایی را برای کودک در زمینه‌های مختلف تشخیص می‌دهند، در این موقعیت ورود والدین هم دقیقاً به منظور همین منافع کودک است و نمی‌توان آن را محدودیت دانست. از طرفی حفظ حریم شخصی بچه جزئی از تربیت است و والدین نباید احساس کنند که مختار هستند تا در همه زمینه‌ها ورود کنند و حق انتخابی به کودک ندهند. پس این نکته را در نظر داشته باشیم که در همه زمینه‌ها نمی‌توان وارد شد، مداخله کرد و هیچ فضای شخصی را برای بچه قایل نشد.

●●● می‌توانید این موضوعات را با مثال از اتفاق‌های زندگی بیشتر برایمان توضیح دهید؟

بله، مثلاً اینکه بچه از ابتدا بفهمد بدنش متعلق به خودش است و مالکیت بدنش را به رسمیت بشناسد و بداند کسی بدون اجازه حق ندارد به بدنش دست بزند؛ این مفهوم‌ها با رفتار و عملکرد والدین در سنین زیر دوسال به کودک آموزش داده می‌شود. یعنی در موقعیت‌های مختلف بر اثر برخوردهای والدین و نوع مواجهه و واکنشی که والدین با بچه در موقعیت‌های مختلف دارند، این موضوع را برای او جا می‌اندازد. به بیان دیگر نیازی نیست صبر کنیم تا به اصطلاح کودک‌مان به سنی برسد که قدرت تفکر و تشخیص پیدا کند و چیزی به کودک دیکته شود یا اینکه در سه و چهارسالگی این آموزش با جملات به بچه‌ها داده شود. همه اینها در تماس‌ها و رفتارهای اولیه به کودک القا می‌شود. مثلاً اینکه بدنت متعلق به خودت است؛ باید بدنت را از نگاه دیگران دور نگه داری؛ تعویض لباس باید در خلوت انجام شود و... همه اینها به‌طور غیرمستقیم این پیام را به کودک می‌رساند که او در همه چیزش یک خط‌کشی با دیگران دارد. در این بین باید کاملاً حساب شده رفتار شود؛ این رفتارها مثل مراقبت از حریم شخصی و مراقبت‌های جنسی از کودک، از جمله مفاهیمی است که تزریقش از بدو تولد